■ شنبه ۲۵ دی ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۸۲۴

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

ایران فرهنگی

تأملی برانگاره «فروپاشی اجتماعی ایران»

فرضیه‌ای برساخته یا واقعی؟

عباس عبدی

آذر منصوری

حسین کچویان

مقصود فراستخواه

حمیدرضا جلایی‌پور

حسن محدثی گیلوایی

حاتم قادری

سعید حجاریان

کمال اطهاری

احمد بخارایی

محمدصادق کوشکی

سعید معیدفر

محمدرضا زائری

عباس آخوندی

محمدرضا محبوب‌فر

۲.رویکرد«فرهنگی‌وهویتی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

صاحبنظرانی که با رویکرد فرهنگی از فروپاشی اجتماعی صحبت می‌کنند، نظام‌های ارزشی، هویتی و فرهنگی جامعه را مدنظر قرار می‌دهند و عمدتاً بر احساس «انسجام» و «وفاق ملی» تأکید دارند. این دسته از صاحبنظران عمدتاً بر احساسات مشترک بین اعضای جامعه که «ملت» را تشکیل می‌دهند متمرکز می‌شوند و معتقدند به میزانی که این احساسات مشترک و همگرا بیشتر باشند، جامعه از فروپاشی مصون است و در صورتی که این احساسات کمرنگ شوند، جامعه در خطر فروپاشی خواهد بود.

۳.رویکرد«سیاسی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

رویکرد سیاسی به فروپاشی اجتماعی بدان معنا است که صاحبنظران علل و عوامل سیاسی را در حرکت به سمت فروپاشی اجتماعی دخیل و تعیین‌کننده بدانند. این دسته از صاحبنظران، عمدتاً فعالان و تحلیلگران سیاسی هستند که سعی دارند از طریق جا انداختن انگاره فروپاشی اجتماعی، به نتایج سیاسی درباره نظام سیاسی برسند و در نهایت آن را دخیل بدانند. این دسته عمدتاً قبول ندارند بلکه جامعه را در مسیر تحول و پیشرفت می‌بینند. این دسته البته بی‌اطلاع از برخی مشکلات اجتماعی و اتفاقات نامطلوب نیستند، اما معتقدند که تمام جامعه را باید دید و نمی‌توان صرفاً با استناد به چند رویداد تلخ و ناگوار، آن را به کل جامعه تعمیم داد. در این دیدگاه، در عین وجود آسیب‌های اجتماعی، نقاط قوت و فرصت‌هایی مانند «ایثارها» و «فداکاری‌ها» نیز وجود دارد که نباید از آنها غافل بود. همچنین وجود بسترهای مذهبی و اعتقادی در جامعه و فرهنگ‌های قومی و محلی از جمله فرصت‌هایی هستند که مانع از فروپاشی اجتماعی می‌شوند.

۲.دیدگاه‌های قائل به«آشفتگی اجتماعی»

قائلان به این دیدگاه، معتقدند واژه «فروپاشی» در تجزیه‌وتحلیل اوضاع کنونی ایران کاربرد دقیقی نیست. در معنای نخست که «فروپاشی اجتماعی» است به رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی اشاره دارد که بهتر است به جای فروپاشی اجتماعی از واژه «آشفتگی» و «گسیختگی» اجتماعی استفاده شود. قائلان به این دیدگاه همچنین معتقدند که فروپاشی اجتماعی در معنای دوم به خطر گسست قومی در ایران اشاره دارد. در این مورد بهتر است به جای واژه فروپاشی اجتماعی از مفهوم «خطر گسیختگی دریکپارچگی ملی» استفاده شود. در نهایت، این دسته معتقدند که در معنای سوم فروپاشی را به‌عنوان یک انگاره کلی دنبال می‌کنند که در آینده در سطوح مختلف از جمله اقتصاد، جامعه و سیاست رخ خواهد داد. در رویکرد سیاسی، مسأله مشارکت سیاسی اقشار مختلف و نسبت آنها با نظام سیاسی امری مهم دانسته می‌شود و به میزانی که این مشارکت کاهش پیدا کند و یا از تنوع جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در ساختار قدرت کاسته شود، فاصله جامعه از حکومت بیشتر شده و انگاره فروپاشی اجتماعی تقویت خواهد شد.

۴.رویکرد«اجتماعی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

در رویکرد اجتماعی، علل و عوامل اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. صاحب‌نظران مربوط به این دسته عمدتاً به آسیب‌های اجتماعی نظیر وقوع جرم و مجازات، افزایش بزه، خشونت اجتماعی و مواردی از این دست توجه دارند و میزان وقوع این آسیب‌ها را با حرکت در مسیر فروپاشی اجتماعی مرتبط می‌دانند. این دسته معتقدند جامعه‌ای که در مسیر فروپاشی قرار دارد، افزایش بی‌سابقه وقوع جرم را به خود می‌بیند و آمارهایی نظیر اعتیاد، قتل و خودکشی در آن به طرز قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد این دسته از صاحبنظران بیشتر از سایرین در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کنند و منطق آنان نیز نسبت به سه دسته دیگر ذکر شده بیشتر قابل توجه است.

■ **دیدگاه‌های مخالف**

دیدگاه‌های مخالف با انگاره فروپاشی اجتماعی را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱.دیدگاه‌های کاملاً مخالف

دیدگاه‌های کاملاً مخالف با فروپاشی اجتماعی ناظر به دیدگاه کسانی است که نه تنها فروپاشی اجتماعی را که از این رویکرد به موضوع فروپاشی اجتماعی می‌نگرند، بخش اعظم مشکلات اجتماعی را برخاسته از «ناکارآمدی اقتصادی نظام سیاسی» می‌دانند.

> **حسین کچویان:** نخستین بار در دوران اصلاحات بود که آقای عباس عبدی فروپاشی اجتماعی را مطرح کرد و اکنون ۱۸-۱۷ سال است که اتفاقی رخ نداده است. این ایده توسط کسانی مطرح می‌شود که یا زمانی خود در قدرت بوده‌اند و الان قدرت را از دست داده‌اند و یا می‌خواهند با این حرف کل قدرت حاکمیت را در اختیار بگیرند. به عبارت بهتر طرح این ایده کاملاً مبتنی بر ادله سیاسی است و پشتوانه نظری ندارد.
>
> **مقصود فراستخواه:** جامعه ایران جامعه هنوز زنده‌ای است و دچار فروپاشی اجتماعی نیست. کسانی که از واژه و تعبیر فروپاشی اجتماعی استفاده می‌کنند، می‌خواهند به جامعه بیان کنند. جریان‌های مهمی در زندگی این جامعه وجود دارد که مانع فروپاشی این جامعه می‌شود.

سوم، فروپاشی به معنای «فروپاشی سیاسی و افول اقتدار حکومت مرکزی» است. براساس این دیدگاه، نظام سیاسی ایران از داخل و خارج در معرض فشارهای اساسی است و با کسری مشروعیت روبه‌رو است. مزایای حکومت برای همه نیست و راهبردهای بنیانی درمانگر آسیب‌های اجتماعی را در دستور کار ندارد. در صورت تداوم این وضع، جامعه ایران با «وضعیت بی‌دولتی» و «ناامنی‌های مستمر» روبه‌رو می‌شود و تا استقرار نظام جدید هزینه‌های سنگینی بر کشور و جامعه تحمیل خواهد شد. در این دیدگاه، منظور از فروپاشی گسترش فزاینده آسیب‌های اجتماعی یا نارضایتی‌های قومی نیست، بلکه توجه اصلی بر هرج و مرج و ناامنی‌ها در شرایط بی‌دولتی احتمالی در جامعه ایران است. (جلایی‌پور،ح.۱۳۸۵.فروپاشی یا آشفتگی اجتماعی در ایران ۱۳۸۴-۱۳۷۶. مجله جامعه شناسی ایران،۷(۳)، ۵۹-۷۵.)

■ **دیدگاه‌های موافق**

عمده دیدگاه‌های منعکس شده در رسانه‌ها دربرگیرنده دیدگاه‌های موافقان انگاره فروپاشی اجتماعی است که البته موافقان با رویکردهای مختلفی بدان پرداخته‌اند. اهم این رویکردها را می‌توان به‌صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱-رویکرد«اقتصادی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

این رویکرد، از یک سو معتقد است که مشکلات اقتصادی امروز ایران باعث مشکلات اجتماعی و حرکت به سوی فروپاشی اجتماعی شده‌اند و از سوی دیگر، حل این مشکلات اقتصادی را جز با حل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ممکن نمی‌دانند. صاحبنظرانی که از این رویکرد به موضوع فروپاشی اجتماعی می‌نگرند، بخش اعظم مشکلات اجتماعی را برخاسته از «ناکارآمدی اقتصادی نظام سیاسی» می‌دانند.

۲.رویکرد«فرهنگی‌وهویتی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

صاحبنظرانی که با رویکرد فرهنگی از فروپاشی اجتماعی صحبت می‌کنند، نظام‌های ارزشی، هویتی و فرهنگی جامعه را مدنظر قرار می‌دهند و عمدتاً بر احساس «انسجام» و «وفاق ملی» تأکید دارند. این دسته از صاحبنظران عمدتاً بر احساسات مشترک بین اعضای جامعه که «ملت» را تشکیل می‌دهند متمرکز می‌شوند و معتقدند به میزانی که این احساسات مشترک و همگرا بیشتر باشند، جامعه از فروپاشی مصون است و در صورتی که این احساسات کمرنگ شوند، جامعه در خطر فروپاشی خواهد بود.

۳.رویکرد«سیاسی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

رویکرد سیاسی به فروپاشی اجتماعی بدان معنا است که صاحبنظران علل و عوامل سیاسی را در حرکت به سمت فروپاشی اجتماعی دخیل و تعیین‌کننده بدانند. این دسته از صاحبنظران، عمدتاً فعالان و تحلیلگران سیاسی هستند که سعی دارند از طریق جا انداختن انگاره فروپاشی اجتماعی، به نتایج سیاسی درباره نظام سیاسی برسند و در نهایت آن را دخیل بدانند. این دسته عمدتاً قبول ندارند بلکه جامعه را در مسیر تحول و پیشرفت می‌بینند. این دسته البته بی‌اطلاع از برخی مشکلات اجتماعی و اتفاقات نامطلوب نیستند، اما معتقدند که تمام جامعه را باید دید و نمی‌توان صرفاً با استناد به چند رویداد تلخ و ناگوار، آن را به کل جامعه تعمیم داد. در این دیدگاه، در عین وجود آسیب‌های اجتماعی، نقاط قوت و فرصت‌هایی مانند «ایثارها» و «فداکاری‌ها» نیز وجود دارد که نباید از آنها غافل بود. همچنین وجود بسترهای مذهبی و اعتقادی در جامعه و فرهنگ‌های قومی و محلی از جمله فرصت‌هایی هستند که مانع از فروپاشی اجتماعی می‌شوند.

۲.دیدگاه‌های قائل به«آشفتگی اجتماعی»

قائلان به این دیدگاه، معتقدند واژه «فروپاشی» در تجزیه‌وتحلیل اوضاع کنونی ایران کاربرد دقیقی نیست. در معنای نخست که «فروپاشی اجتماعی» است به رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی اشاره دارد که بهتر است به جای فروپاشی اجتماعی از واژه «آشفتگی» و «گسیختگی» اجتماعی استفاده شود. قائلان به این دیدگاه همچنین معتقدند که فروپاشی اجتماعی در معنای دوم به خطر گسست قومی در ایران اشاره دارد. در این مورد بهتر است به جای واژه فروپاشی اجتماعی از مفهوم «خطر گسیختگی دریکپارچگی ملی» استفاده شود. در نهایت، این دسته معتقدند که در معنای سوم فروپاشی را به‌عنوان یک انگاره کلی دنبال می‌کنند که در آینده در سطوح مختلف از جمله اقتصاد، جامعه و سیاست رخ خواهد داد. در رویکرد سیاسی، مسأله مشارکت سیاسی اقشار مختلف و نسبت آنها با نظام سیاسی امری مهم دانسته می‌شود و به میزانی که این مشارکت کاهش پیدا کند و یا از تنوع جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در ساختار قدرت کاسته شود، فاصله جامعه از حکومت بیشتر شده و انگاره فروپاشی اجتماعی تقویت خواهد شد.

۴.رویکرد«اجتماعی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

در رویکرد اجتماعی، علل و عوامل اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. صاحب‌نظران مربوط به این دسته عمدتاً به آسیب‌های اجتماعی نظیر وقوع جرم و مجازات، افزایش بزه، خشونت اجتماعی و مواردی از این دست توجه دارند و میزان وقوع این آسیب‌ها را با حرکت در مسیر فروپاشی اجتماعی مرتبط می‌دانند. این دسته معتقدند جامعه‌ای که در مسیر فروپاشی قرار دارد، افزایش بی‌سابقه وقوع جرم را به خود می‌بیند و آمارهایی نظیر اعتیاد، قتل و خودکشی در آن به طرز قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد این دسته از صاحبنظران بیشتر از سایرین در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کنند و منطق آنان نیز نسبت به سه دسته دیگر ذکر شده بیشتر قابل توجه است.

■ **دیدگاه‌های مخالف**

دیدگاه‌های مخالف با انگاره فروپاشی اجتماعی را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱.دیدگاه‌های کاملاً مخالف

دیدگاه‌های کاملاً مخالف با فروپاشی اجتماعی ناظر به دیدگاه کسانی است که نه تنها فروپاشی اجتماعی را که از این رویکرد به موضوع فروپاشی اجتماعی می‌نگرند، بخش اعظم مشکلات اجتماعی را برخاسته از «ناکارآمدی اقتصادی نظام سیاسی» می‌دانند.

۲.رویکرد«فرهنگی‌وهویتی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

صاحبنظرانی که با رویکرد فرهنگی از فروپاشی اجتماعی صحبت می‌کنند، نظام‌های ارزشی، هویتی و فرهنگی جامعه را مدنظر قرار می‌دهند و عمدتاً بر احساس «انسجام» و «وفاق ملی» تأکید دارند. این دسته از صاحبنظران عمدتاً بر احساسات مشترک بین اعضای جامعه که «ملت» را تشکیل می‌دهند متمرکز می‌شوند و معتقدند به میزانی که این احساسات مشترک و همگرا بیشتر باشند، جامعه از فروپاشی مصون است و در صورتی که این احساسات کمرنگ شوند، جامعه در خطر فروپاشی خواهد بود.

۳.رویکرد«سیاسی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

رویکرد سیاسی به فروپاشی اجتماعی بدان معنا است که صاحبنظران علل و عوامل سیاسی را در حرکت به سمت فروپاشی اجتماعی دخیل و تعیین‌کننده بدانند. این دسته از صاحبنظران، عمدتاً فعالان و تحلیلگران سیاسی هستند که سعی دارند از طریق جا انداختن انگاره فروپاشی اجتماعی، به نتایج سیاسی درباره نظام سیاسی برسند و در نهایت آن را دخیل بدانند. این دسته عمدتاً قبول ندارند بلکه جامعه را در مسیر تحول و پیشرفت می‌بینند. این دسته البته بی‌اطلاع از برخی مشکلات اجتماعی و اتفاقات نامطلوب نیستند، اما معتقدند که تمام جامعه را باید دید و نمی‌توان صرفاً با استناد به چند رویداد تلخ و ناگوار، آن را به کل جامعه تعمیم داد. در این دیدگاه، در عین وجود آسیب‌های اجتماعی، نقاط قوت و فرصت‌هایی مانند «ایثارها» و «فداکاری‌ها» نیز وجود دارد که نباید از آنها غافل بود. همچنین وجود بسترهای مذهبی و اعتقادی در جامعه و فرهنگ‌های قومی و محلی از جمله فرصت‌هایی هستند که مانع از فروپاشی اجتماعی می‌شوند.

۲.دیدگاه‌های قائل به«آشفتگی اجتماعی»

قائلان به این دیدگاه، معتقدند واژه «فروپاشی» در تجزیه‌وتحلیل اوضاع کنونی ایران کاربرد دقیقی نیست. در معنای نخست که «فروپاشی اجتماعی» است به رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی اشاره دارد که بهتر است به جای فروپاشی اجتماعی از واژه «آشفتگی» و «گسیختگی» اجتماعی استفاده شود. قائلان به این دیدگاه همچنین معتقدند که فروپاشی اجتماعی در معنای دوم به خطر گسست قومی در ایران اشاره دارد. در این مورد بهتر است به جای واژه فروپاشی اجتماعی از مفهوم «خطر گسیختگی دریکپارچگی ملی» استفاده شود. در نهایت، این دسته معتقدند که در معنای سوم فروپاشی را به‌عنوان یک انگاره کلی دنبال می‌کنند که در آینده در سطوح مختلف از جمله اقتصاد، جامعه و سیاست رخ خواهد داد. در رویکرد سیاسی، مسأله مشارکت سیاسی اقشار مختلف و نسبت آنها با نظام سیاسی امری مهم دانسته می‌شود و به میزانی که این مشارکت کاهش پیدا کند و یا از تنوع جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در ساختار قدرت کاسته شود، فاصله جامعه از حکومت بیشتر شده و انگاره فروپاشی اجتماعی تقویت خواهد شد.

۴.رویکرد«اجتماعی»به‌فروپاشی‌اجتماعی

در رویکرد اجتماعی، علل و عوامل اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. صاحب‌نظران مربوط به این دسته عمدتاً به آسیب‌های اجتماعی نظیر وقوع جرم و مجازات، افزایش بزه، خشونت اجتماعی و مواردی از این دست توجه دارند و میزان وقوع این آسیب‌ها را با حرکت در مسیر فروپاشی اجتماعی مرتبط می‌دانند. این دسته معتقدند جامعه‌ای که در مسیر فروپاشی قرار دارد، افزایش بی‌سابقه وقوع جرم را به خود می‌بیند و آمارهایی نظیر اعتیاد، قتل و خودکشی در آن به طرز قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد این دسته از صاحبنظران بیشتر از سایرین در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کنند و منطق آنان نیز نسبت به سه دسته دیگر ذکر شده بیشتر قابل توجه است.

■ **دیدگاه‌های مخالف**

دیدگاه‌های مخالف با انگاره فروپاشی اجتماعی را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته تقسیم کرد:

۱.دیدگاه‌های کاملاً مخالف

دیدگاه‌های کاملاً مخالف با فروپاشی اجتماعی ناظر به دیدگاه کسانی است که نه تنها فروپاشی اجتماعی را

حسین کچویان، جامعه‌شناس، می‌گوید: «در حال حاضر بحران اقتصادی در ایران ناشی از فروپاشی اجتماعی است... بحران اقتصادی که امروز وجود دارد یک بعد سیاسی و یک بعد فرهنگی دارد... جامعه در یک سراشیبی فروپاشی اجتماعی قرار گرفته است.» (اقتصاد پویا، خرداد ۱۴۰۰)

محمدرضا محبوب‌فر، جامعه‌شناس سیاسی، معتقد است: «اکنون تبعات اقتصادی کرونا و در پس آن، تبعات اجتماعی بیماری در کشور نمایان شده و فروپاشی اقتصادی و سپس فروپاشی اجتماعی در آینده نزدیک غیرقابل اجتناب خواهد بود.» (روزنامه جهان صنعت، اردیبهشت۱۳۹۹)

سعید معیدفر، جامعه‌شناس، تأکید می‌کند: «نوع سوم خودکشی که می‌تواند شرایط امروز ایران را بخوبی تعریف کند، خودکشی تحت‌تأثیر شرایط نابسامان اجتماعی است که به «خودکشی نابسامانی» مشهور است. این خودکشی زمانی اتفاق می‌افتد که یک جامعه درگیر یک «فروپاشی اجتماعی» است... خودکشی ناشی از نابسامانی را تنها در جوامعی داریم که در آنها فروپاشی اجتماعی و اقتصادی رخ داده است.» (یورونیوز، مهر۱۳۹۹)

سعید حجاریان، تحلیلگر سیاسی، عنوان می‌کند: «مادامی که فروپاشی سیاسی رخ نداده است، می‌توان از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کرد. اما اگر نظام سیاسی فروبپاشد، امکان کنترل و مدیریت جامعه وجود ندارد. برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی، حکومت باید بیش از پیش نرمش نشان دهد.» (ایران آنلاین، شهریور ۱۳۹۷)

محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه، بر این باور است: «چاره‌اندیشی جدی برای مقابله با بی‌حجابی و بی‌عفتی بنیان‌کن، ترویج و تشویق جامعه به رعایت اخلاق دینی و ضوابط شرعی در امور جنسی و... گوشه‌هایی از اقدامات ضروری برای نجات نهاد خانواده در ایران امروزند؛ اقداماتی که بی‌اعتنایی به آنها ثمره‌ای جز مواجهه با فروپاشی اجتماعی در آینده‌ای نه چندان دور نخواهد داشت!» (مجله پاسدار اسلام، آبان ۱۳۹۲)

حمیدرضا جلایی‌پور، جامعه‌شناس، می‌گوید: «آقای عباس عبدی از واژه فروپاشی اجتماعی استفاده کردند. آن واژه دارد مخاطب را ارجاع می‌دهد که نهادهای اصلی جامعه خوب کار نمی‌کنند و اگر یک جامعه‌ای نهادهای اصلی‌اش خوب کار نکند، آن وقت جامعه دیگر هویتش از دست می‌رود. من واژه فروپاشی را به کار نمی‌برم، از واژه «آشفتگی اجتماعی social anomie» استفاده می‌کنم که هم در جامعه‌شناسی ریشه‌دار است و همه جوامع هم با آن روبه‌رو هستند؛ جامعه ما هم با آن روبه‌رو است. من با این بحث خیلی همراه نیستم که دائم بر سر این جامعه بزنیم... وقتی شما می‌گویید فروپاشیده، مثل پزشکی است که بگوید این بدن مرده است؛ [در آن صورت] دیگر کاری نمی‌شود کرد... فروپاشی که می‌گویید انگار جامعه قدرت تحرک، بازسازی و ترمیم ندارد. جامعه را آدم‌ها تشکیل داده‌اند. آدم‌ها مرتب تأثیر می‌پذیرند. در جامعه ما مثلاً ۱۵ سال بعد از مشروطه شرایط را ببینید همه فکر می‌کردند همه‌چیز تمام شد ولی این جامعه دوباره خودش را ساخت و جلو آمد... فروپاشی اجتماعی یک سخن سنگینی است و راحت نمی‌شود [به کارش برد].» (گفت‌وگو در برنامه زاویه، مهر ۱۳۹۷)

عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی، معتقد است: «درباره اینکه گفته می‌شود جامعه در مسیر فروپاشی اجتماعی است، من از گذشته و از حدود ۱۵ سال پیش معتقد بودم که شاخص‌های ما این را نشان می‌دهد؛ اما چرا فروپاشی رخ نمی‌داد؟ اتحاد شکلی به دلیل قدرت دولت بود. دولت، قدرت داشت و می‌توانست این ساختمان را حفظ کند؛ علیرغم اینکه ساختمان به لحاظ ذاتی و نیروهای داخلی خود قابل حفظ کردن نبود و دیگر نهادهای مختلفش آنقدر قدرت و اثرگذاری نداشتند که بتوانند خود و جامعه را حفظ کنند بنابراین تنها دولت بود که با اتکا به قدرت سخت‌افزاری خود، جامعه را حفظ می‌کرد. در حال حاضر، این قدرت و وضعیت تضعیف شده و دولت نمی‌تواند در آینده نزدیک حتی این کار را انجام دهد. بنابراین تنها راه این است که یک بازسازی جدی در ساخت سیاسی و اجتماعی ایران صورت گیرد و نهادهای مختلف، بطور مشخص نهاد رسانه و عدالت، بازسازی جدی شوند. بنابراین اینکه این جامعه با شیوه‌های گذشته و سنتی حفظ شود دیگر امکان‌پذیر نیست. مگر اینکه یک بازسازی جدی انجام شود اما اینکه فکر می‌کنیم، حفظ نمی‌شود و فرو می‌ریزد منظور امروز و فردا نیست و این برحسب اتفاقاتی است که می‌تواند به وجود بیاید. در اصل ماجرا شکی وجود ندارد.» (شفقنا، اسفند ۱۳۹۶)

حسین کچویان، استاد دانشگاه، تأکید می‌کند: «مسأله فروپاشی تقریباً ۴۰ سال است به اشکال مختلف طرح می‌شود. نخستین بار در دوران اصلاحات بود که آقای عباس عبدی این مسأله را مطرح کرد و اکنون ۱۸-۱۷ سال است که اتفاقی رخ نداده و در سایه مشکلات اخیر موجود در جامعه است که زمینه برای بازسازی این تئوری فراهم شده است. نظریه‌ای را که به دلایل تجربی شکست‌خورده است، با این استدلال که ما نگفتیم همین الان اتفاق می‌افتد و ممکن است فردا یا سال بعد اتفاق بیفتد، دوباره مطرح می‌کنند. البته در این موقعیت یکی دو گروه دیگر هم این بحث را مطرح کرده‌اند. یکی آقای حسام‌الدین آشنا و برخی به اصطلاح مطالعاتی که از سوی مرکز تحقیقات استراتژیک منتشر شده است. دیگری هم آقای محمود احمدی‌نژاد و مجموعه‌ها و افراد مرتبط با او. نکته جالب این است که این ایده توسط کسانی مطرح می‌شود که یا زمانی خود در قدرت بوده‌اند و الان قدرت را از دست داده‌اند یا می‌خواهند با این حرف کل قدرت حاکمیت را در اختیار بگیرند. به عبارت بهتر طرح این ایده کاملاً مبتنی بر ادله سیاسی است و پشتوانه نظری ندارد.» (برنامه زاویه، مرداد ۱۳۹۷)

عباس آخوندی، استاد دانشگاه و وزیر راه و شهرسازی دولت یازدهم و دوازدهم، می‌گوید: «علیرغم تأکید مقام‌های رسمی کشور و همچنین نهادهای مرجع اصلاح‌طلبی مبنی بر ضرورت شرکت در انتخابات، اکثریت واجدان شرایط به صندوق رأی پشت کردند. بی‌گمان این پدیده‌ای است که برای صلح و امید اجتماعی زیانبار است. خصلت عمومی دولت‌های ناشی از اراده اقلیت، اغلب تقدیسِ خود و نفی دیگران، کاربستِ زور به نام اقتدار و ایجادِ محدودیت برای شهروندان به‌نام نظم است. همانند آنچه در مجلس در وضعیت جاری می‌بینیم. در این بستر، نه تنها نمی‌توان انتظار تحقق توسعه داشت بلکه باید در انتظار فروپاشی اجتماعی، انحطاط اخلاقی، مهاجرت، فقر و خشونت اجتماعی در رفتارهای روزانه مردم بود. از این رو، این قلم نگران ایران است.» (روزنامه اعتماد، تیر ۱۴۰۰)

آذر منصوری، فعال سیاسی، می‌نویسد: «مجمع جهانی اقتصاد در آخرین گزارش سالانه شکاف جنسیتی خود اعلام کرده است که بر اثر شیوع ویروس مرگبار کرونا شکاف جنسیتی در جهان عمیق‌تر شده است. طی این سال‌ها ایران جزو ۱۰ کشور آخر بوده است. این رتبه ۱۵۰ ایران در بین ۱۵۶ کشور جهان به رغم همه تلاش‌هایی است که معاونت امور زنان و خانواده در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به انجام رسانده است. این بدان معناست که کشورهایی که در این گزارش از ما پیشی گرفته‌اند تلاش‌های بیشتری را در دستورکار خود قرار داده‌اند. این تبعیض خود بسترساز انواع شکاف‌هایی خواهد بود که بیشترین مقاومت را نه تنها در برابر توسعه دموکراتیک بلکه در صورت تداوم وبی‌توجهی، فروپاشی جامعه ایران را به دنبال خواهد داشت.» (یادداشت تلگرامی)

کمال اطهاری، پژوهشگر اقتصادی، چنین توصیف می‌کند: «بحران ساختاری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران نشان‌دهنده این است که سد در آستانه شکافته شدن است. چون بحران ساختاری به معنای زوال یک نظام است و تداوم آن به معنای فروپاشی آن»

محمدرضا زائری، کارشناس مذهبی، در توئیتر خود می‌نویسد: «نظام می‌ماند یا سقوط می‌کند؟ پاسخم سیاسی نیست؛ شکل و ظاهر جمهوری اسلامی خواهد ماند اما فروپاشی اجتماعی قطعی است. اما چه ارزشی دارد که ساختار سیاسی بماند و دل‌های زیادی با حاکمیت نباشد؟ مثل خانواده‌هایی که به‌طلاق عاطفی مبتلاشده‌اند!»

حسن محدثی گیلوایی، جامعه‌شناس، به تعلقات سیاسی مطرح‌کنندگان نظریه فروپاشی اجتماعی اشاره می‌کند: «موضوع فروپاشی اجتماعی متعلق به چند سال اخیر نیست بلکه به چند دهه قبل برمی‌گردد. این مفهوم بسیار کلی و مبهم است، بار هنجاری دارد، آخرالزمانی است و به علایق افراد مطرح‌کننده آن برمی‌گردد. افرادی که از این مفهوم صحبت می‌کنند تعلقات سیاسی دارند. مفاهیمی مثل فروپاشی اجتماعی مفاهیمی فراحوزه‌ای هستند که اشکالات فراوانی دارند. اگر جامعه‌شناس نگاهی علمی داشته باشد به‌جای آنکه سراغ این مفاهیم برود ابتدا وارد مباحث زیرحوزه‌ای، سپس مفاهیم حوزه‌ای و در نهایت وارد مباحث فراحوزه‌ای می‌شود؛ چراکه مفاهیم فراحوزه‌ای مفاهیمی هستند که انگار همه‌چیز در آن می‌گنجد و هرکسی می‌تواند این مفاهیم را به سمت علایق و تعلقات خود بکشاند و بازتفسیر کند. از این رو، این مفاهیم اصطلاحاتی علمی نیستند.» (نشست مجازی، مهر ۱۴۰۰)

■ **ملاحظات و جمع‌بندی**

۱.از بین کسانی که قائل به درستی انگاره فروپاشی اجتماعی هستند «رویکردهای سیاسی و اجتماعی» بیشتر از سایرین قابل توجه‌اند. در «رویکرد فرهنگی» صاحبنظران را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ دسته نخست مذهبیون هستند؛ یعنی کسانی که فروپاشی اجتماعی را ناظر به از بین رفتن سنت‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی می‌دانند و علت اصلی آن را هجوم فرهنگ بیگانه غربی قلمداد می‌کنند. دسته دوم نیز کسانی هستند که نسبت به ارزش‌های فرهنگی نظام سیاسی و شیوه تبلیغ و تحکم آنها نقد دارند. این دسته معتقدند فرهنگ دستوری و اجباری جز نتیجه عکس نخواهد داد و در نهایت به بی‌هویتی و فروپاشی جامعه خواهدانجامید.

۲. القای انگاره فروپاشی اجتماعی به مناسبت‌های مختلف و به ویژه در مقاطعی که قتل یا جنایت یا جرم جدید و دردناکی رخ می‌دهد در رسانه‌ها پررنگ می‌شود. در چنین مواقعی تحلیلگران بیان می‌کنند که این جنایات و رویدادها خبر از چیزی ماورای آنها می‌دهد و ریشه آنها را باید در فروپاشی و سست شدن بنیان‌های اجتماعی جست‌وجو کرد.

۳. دسته‌ای از مخالفان انگاره فروپاشی اجتماعی معتقدند که باید میان وضعیت «آشفتگی اجتماعی» و «فروپاشی اجتماعی» تمایز قائل شد. آشفتگی اجتماعی به معنای نابسامانی جامعه و عدم کارآمدی الگوهای فرهنگی و سنتی در مسائل جدید و به تبع آن به‌وجود آمدن بحران‌های اجتماعی و هویتی مسأله‌ای است که وجود دارد و نباید آن را نادیده گرفت. اما این به معنای وجود یک وضعیت کاملاً از هم گسیخته نیست که قابلیت ترمیم یا اصلاح نداشته باشد.

۴. موافقان انگاره فروپاشی اجتماعی برای اثبات مدعای خود به مثال‌های متنوع و رویدادهای اجتماعی و اقتصادی مورد نظر خود استناد می‌کنند، اما نسبت به رویدادهایی که فرضیه آنها را تضعیف می‌کند و یا در تضاد با آن است، تحلیل از خود ارائه نمی‌دهند. برای نمونه این دسته در برابر رویدادهایی چون حضور پررنگ مردم در تشییع سردار سلیمانی، فداکاری‌هایی همچون ماجرای علی لندی و ایثارها و فداکاری‌هایی نظیر این موارد تحلیلی ندارند. این در حالی است که این موارد به صراحت ناقض مدعای آنان است و اگر آن را به کلی زیر سؤال نبرد، حداقل تضعیف کرده است.

ایلیا داوودی